

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر ابن الدین «سعیدی-سعیدافغانی»

۰۶ جولای ۲۰۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

## ترجمه و تفسیر سوره الحشر-۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را به پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

شان نزول آیات ۱ - ۵:

۱۰۵۸- حاکم به قسم صحیح از امام المؤمنین عایشه روایت کرده است: غزوة بنی نضیر (طائفه‌ای از یهود) در اول ماه ششم بعد از واقعه بدر صورت گرفته است. باغ‌های خرما و منازل آنان در کرانه مدینه قرار داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را محاصره کرد و آنان توافق کردند بارشترهایشان را (به جز سلاح) بردارند و سر زمین مدینه را ترک نمایند. آنگاه در باره آنها آیت «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ



الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حاکم ۲ / ۴۸۳) روایت کرده است. اسناد آن حسن است به خاطر زید بن مبارک و باقی اسناد ثقة

مشهور هستند. حاکم و ذهبی به شرط بخاری و مسلم صحیح می‌دانند. «تفسیر شوکانی» ۲۶۴۰ به تخریج محقق.

۱۰۵۹- بخاری و غیره از ابن عمر روایت کرده اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم باغ‌های خرماي بنی نضیر را در بویره [منطقه‌ای است نزدیک مدینه] به آتش کشید و بعضی درخت‌ها را قطع کرد.

پس الله تعالى آیه: «**مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا**» را نازل کرد. (صحیح است، بخاری ۴۰۳۱ و ۴۸۸۴، مسلم ۱۷۴۶، ابوداود ۲۶۱۵ ترمذی ۳۳۰۲، نسائی ۵۹۳، ابن ماجه ۲۸۴۴ و «تفسیر شوکانی» ۲۶۴۳ تخریج محقق.) ۱۰۶۰- ابویعلی با سند ضعیف از جابر (رض) روایت کرده است: رسول الله به مسلمانان اجازه داد که بعضی درخت‌های خرما را قطع نمایند، و پس به شدت از این کار ممانعت کرد. گفتند: ای رسول خدا! آیا ما بر اثر قطع درخت‌ها و ترک آن کار گناهکار می‌شویم، پس خدا آیت: «**مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا**» را نازل کرد. (ضعیف است، ابویعلی ۲۱۸۹. هیثمی در «مجمع الزوائد» ۷ / ۱۲۲ می‌گوید: «ابویعلی از سفیان بن وکیع روایت کرده او ضعیف است» به «تفسیر ابن کثیر» ۶۷۰۰ تخریج محقق نگاه کنید).

(به غزوه بنی نضیر یهودان به قلعه‌ها پناه گرفتند. پس به مسلمانان اجازه داده شد که بعضی درخت‌های خرما کنار قلعه‌های آن‌ها را قطع نمایند تا ساحه برای نبرد فراخ شود و یا یهودان به خشم آیند و از قلعه‌ها خارج شوند و جنگ بیرون از قلعه‌ها صورت بگیرد. مسلمان‌ها بعضی از درختان آن‌ها را بریدند و برخی را برجای گذاشتند. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم قطع کردن درختان را منع کرد).

۱۰۶۱- ک: ابن اسحاق از یزید بن رومان روایت کرده است: وقتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در بنی نضیر پیاده شد آنان در دژهای مستحکم و قلعه‌های استوار متحصن شدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم هدایت فرمودند: که بعضی درختان خرما قطع و یا هم آتش‌زده شود. یهودیان فریاد کشیدند. ای محمد! تو همواره از فساد نهی می‌کردی و این قبیل کارها را عیب می‌شمردی پس این کنند و سوزاندن باغ‌ها چیست؟ پس این آیت نازل شد. (طبری ۳۳۸۵۰ مرسل است.)

۱۰۶۲- ابن جریر از قتاده (طبری ۳۳۸۵۱ مرسل است.) و مجاهد این روایت را نقل کرده است. (طبری ۳۳۸۵۲ مرسل است. این‌ها به مجموع قوی می‌شوند.)

**هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲)**

او ذاتی است که کافران اهل کتاب را در اولین جمع شدن‌شان (علیه پیغمبر اسلام) از سرزمینشان بیرون کرد، شما گمان نمی‌کردید که آنان (از مدینه) بیرون شوند و آنان گمان می‌کردند که قلعه‌هایشان آنان را از (عذاب) الله محافظت می‌کند پس (عذاب) الله از راهی که گمان نمی‌کردند بر آنها وارد شد و در دل‌هایشان ترس و هراس انداخت طوری که با دست‌های خود و دست‌های مؤمنان خانه‌های خویش را ویران می‌کردند. پس ای صاحبان بصیرت و آگاهی عبرت بگیرید. (۲)

«مَانِعَتُهُمْ» (بازدارنده)

«حُصُونُهُمْ» (جمع حصن، قلعه‌ها، دژها).

«قَذَفَ» «افکنده».

«فَاعْتَبِرُوا» (عبرت گیرید).

«لِأَوَّلِ الْحَشْرِ»

در آیت مبارکه از تبعید بنی نضیر به نام «اول الحشر» تعبیر به عمل آمده است. «حشر» به معنای بلندشدن و ایستادن است.

دحیه کلبی صحابی جلیل القدر که در ضمن برادر شیرینی (رضاعی) رسول الله صلی الله علیه وسلم است در مورد طایفه بنی نضر یهودی در مدینه منوره می نویسد:

بنی نضر اولین طایفه ای از اهل کتاب بودند که از جزیره العرب کوچانده شدند و آخرین آنها در زمان خلافت حضرت عمر بن خطاب (رض) از آنجا اخراج شدند. پس در هدف از حشر اول: گردآوری، اخراج و کوچاندن طایفه بنی نضر یهودی از مدینه و تبعیدشان به شام است و مراد از حشر آخر: کوچاندن، جلا وطنی و تبعید یهودیان، آنانی که که در جنگ خیبر علیه مسلمانان اشتراک ورزیده بودند، از سوی امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) دستور یافتند که: از سرزمین جزیره العرب خارج شوند.

همچنان به قولی دیگر: هدف از «حشر آخر»، گردآوردن تمام مردم به سوی سرزمین محشر در روز قیامت است. «يُخْرَبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ» تخریب منازل به دست خود یهودان صورت گرفت، زیرا آنها به خاطر بردن دروازه ها و کلکین ها با خود، آنها را کشیده و با خود حمل می نمودند، همچنان زمانی که یهودان خود را در قلعه های مستحکم محاصره و قلعه بند نمودند، مسلمانان از بیرون برای متاثر کردن آنها تعداد از درخت ها و منازل آنها را از بین بردند.

### خواننده محترم!

رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از هجرت از مکه مکرمه به مدینه منوره سعی و کوشش بی نهایت عظیمی را به خرج داد تا روابط در بین ساکنان مدینه اعم از مسلمانان (مسلمانان مهاجر، انصار، و در نهایت امر روابط بین مسلمانان و یهودان) را سروسامان بهتر و نیک دهد. برای تنظیم بهتر امور قرارداد و یا عهد نامه ای را بین ساکنان مدینه مورد تصویب و عملی قرار داد.

این عهدنامه دارای بندهای مختلفی بود که حقوق و وظایف تمامی ساکنان را تعیین می کرد و در منابع قدیمی، به نام کتاب یا صحیفه نامیده شده است و منابع جدید، آن را به قانون نامه مسمی ساخته اند.

این پیمان نامه مهم ترین و جامع ترین قرارداد بین المللی در تاریخ اسلام به شمار می رود که به وسیله رسول الله صلی الله علیه وسلم، بین مسلمانان، مشرکان و یهود که در مجموع ساکنان مدینه باشند، منعقد شده و به پیمان عمومی و مواعده یهود معروف و مشهور شده است.

هدف اساسی این پیمان حفظ امنیت و همزیستی مسالمت آمیز همه دسته های گوناگون از مردم ساکن در مدینه منوره بود. ناگفته نباید گذاشت که هدف دیگر این پیمان، تلاشی برای شکل گیری جبهه های واحد در مدینه در برابر مشرکان مکه بود، که فرصتی مناسب را در اختیار مسلمانان قرار داد تا با آسودگی از درگیری های داخلی به اساس گذاری جامعه و نظام اسلامی بپردازند. این پیمان نشان سیاست مسالمت آمیزی است که اسلام در روابطش با ادیان دیگر دنبال می کرد و نشان می دهد که در اولین حرکت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در برخورد با ادیان، معاهده و صلح و پیام دوستی بود.

منابع تاریخی این پیمان نامه را صحیفه مدینه و یا به اصطلاح قانون اساسی مدینه منوره مسمی نموده اند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود: سیره ابن هشام) (م. ۲۱۴ق.) و کتاب الاموال ابو عبیده قاسم بن سلام (م. ۲۲۴ق.). این پیمان نامه بروشنی بر نبوغ و مهارت پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در ترتیب ماده های آن و تعیین روابط طرفهای پیمان با یک دیگر، دلالت می نماید. در میان این پیمان بندهائی است که عدالت مطلق و مساوات کامل بین انسانها را محقق می نماید و حاوی این موضوع است که انسانها به هر رنگ و زبان و دینی که باشند، باید از تمامی حقوق انسانی و آزادی برخوردار باشند.

یکی از زیبایی‌ها و قوت حقوقی این پیمان‌نامه در این بود که در آن آزادی عقیده؛ عبادت و حق امنیت، محفوظ و محترم شمرده شده بود. پیروان هر دین به آزادی کامل می‌توانستند عبادت خویش را به طور آزادانه انجام دهند، مسلمانان به دین خود و یهودیان به دین خودشان مصروف عبادت دینی خویش بودند. شعار عالی و حیانی در جامعه عملی بود. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آیت ۲۵۶ سوره بقره) (اجبار و اکراهی در قبول دین نیست؛ چراکه هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است بنابراین، کسی که از طاغوت نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است که اصلاً گسستن ندارد و خداوند شنوا و دانا است).

دکتر ضیاء العمری در السیرة النبویة الصحیحة به بررسی راه‌های روایت پیمان‌نامه پرداخته و گفته است: «با مجموع طرق به پایه احادیث صحیح می‌رسد. (السیرة النبویة الصحیحة، جلد ۱، صفحه ۲۷۵).

### اولین پیمان مسلمانان با یهودان در مدینه:

#### زمان انعقاد این پیمان:

مؤرخان در مورد زمان دقیق این پیمان که بین مسلمانان (اعم از مهاجرین و انصار) و بین یهودان را مشخص نکرده‌اند؛ ولی برخی از مؤرخین بدین باور اند که این پیمان قبل از «مواخات (پیمان برادری) تحریر و عملی گردیده بود. ولی برخی از سیرت نویسان بدین عقیده اند که: انعقاد این پیمان در ماه پنجم هجرت صورت گرفته است.

قابل تذکر است که این پیمان نامه را رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شخصاً به مشوره صحابه انشاء فرموده اند، که از جمله ۲۵ ماده آن مربوط به امور مسلمانان و بقیه آن در باره ارتباط میان مسلمانان (اعم از مهاجرین و انصار) پیروان ادیان دیگر به خصوص یهودان و بت پرستان می‌باشد.

#### متن پیمان نامه:

۱- این پیمان‌نامه‌ای است از سوی محمد، پیامبر خدا، میان مؤمنان و مسلمانان از قریش و (ساکنان) یثرب و هر کس دیگری که از آنان پیروی کرده و به آنان پیوسته و همراه آنان به جهاد پرداخته است.

۲- مؤمنان امت واحده و جدا از دیگر مردمان‌اند.

۳- مهاجران قریش بر همان عرفی که قبلاً در پرداخت دیه‌های خود بدان عمل می‌کرده‌اند، باقی خواهند ماند.

۴- بنی عوف نیز بر اساس همان عرف و رویه قبلی خود، دیه‌های خود را عهده‌دار خواهند شد و هر طایفه از ایشان، اسیرانش را به خوبی و به سهم برابر میان مؤمنان آزاد می‌کند.

۵- بنی حارث (بنی خزرج) نیز بر اساس عرف و رویه قبلی خود دیه‌های خود را می‌پردازد و هر طایفه‌ای، فدیة آزادی اسیران خود را به خوبی می‌پردازد.

۶- بنی ساعده بر همان عرف و رویه قبلی خود دیه‌های خود را عهده‌دار خواهند بود و فدیة آزادی اسیران خود را به نیکی و به خوبی در میان مؤمنان خواهند پرداخت.

۷- بنی چشم بر همان عرف و رویه قبلی خود دیه‌های خود را خواهند پرداخت و هر طایفه‌ای فدیة آزادی اسیران خود را به خوبی می‌پردازد.

۸- بنی نجار نیز بر همان عرف و شیوه قبلی خود، دیه‌های خود را خواهند پرداخت و هر طایفه فدیة آزادی اسیران خود

- را به نیکی و به خوبی خواهند پرداخت.
- ۹ - بنی عمرو بن عوف بر همان شیوه قبلی خود دیه‌های خود را خواهند پرداخت و هر طایفه‌ای فدیة آزادی اسیرش را به خوبی و به سهام برابر میان مؤمنان خواهند پرداخت.
- ۱۰ - بنی النبیث نیز بر همان عرف و رویه قبلی خود، دیه‌های خود را خواهند داد و هر طایفه‌ای فدیة اسیر را به خوبی و به سهام برابر میان مؤمنان خواهد پرداخت.
- ۱۱ - بنی اوس بر عرف و رویه قبلی خود دیه‌های خود را خواهند پرداخت و هر طایفه‌ای فدیة اسیرش را به خوبی و به سهام برابر میان مؤمنان خواهد پرداخت.
- ۱۲ - مؤمنان هیچ فقیر و درمانده‌ای را در میان خود وا نمی‌گذارند مگر آن که به نیکی در هر مورد از جمله پرداخت فدیة و ادای دیه او را یاری می‌کنند.
- ۱۳ - مؤمنان پرهیزگار علیه کسی که سرکشی کند یا برای ستم یا گناه یا تجاوز و فساد در میان مؤمنان تلاش و دسیسه کند با یک دیگر متحد و منسجم هستند؛ هر چند وی پسر یکی از خود آنان باشد.
- ۱۴ - هیچ فرد مؤمنی، مؤمن دیگری را به قصاص کافری به قتل نمی‌رساند و هیچ کافری را علیه مسلمانی یاری نمی‌دهد.
- ۱۵ - حق دادن ذمه (و پیمان اعطای امن) الهی، برای همه یکسان است و پائین‌ترین فرد مسلمان از جانب همه آنان می‌تواند به هر کس که بخواهد امان دهد و مؤمنان دوستان یکدیگرند، نه دوستان دیگران.
- ۱۶ - از یهودیان هر کس از ما پیروی کند، از یاری و همدردی ما برخوردار خواهد بود و نباید به آنان ستم شود یا کسانی علیه آنان همدست شوند.
- ۱۷ - صلح مؤمنان یکی است، هیچ فرد مؤمنی در جنگ در راه خدا جدائی از دیگران مصالحه نمی‌کند، مگر آن که به تساوی و عدالت میان مسلمانان باشد.
- ۱۸ - هر کس با ما، در جنگ شرکت نماید، طوایف دیگر پشت سر آنها و کمک آنها خواهد بود.
- ۱۹ - مؤمنان وابسته به یکدیگر و در مقابل خونی که از هر یک از آنان در راه خدا ریخته شود، مدافع یکدیگرند.
- ۲۰ - مؤمنان پرهیزگار بر بهترین و شایسته‌ترین راه قرار گرفته‌اند و هیچ فرد مشرکی نمی‌تواند مال یا جان قریشیان را امان دهد یا مانع از دسترسی فرد مؤمنی به آن گردد.
- ۲۱ - هر کس مؤمنی را بی‌گناه به قتل برساند و بی‌گناهی او ثابت گردد، در مقابل آن، قصاص خواهد شد مگر این که ولی مقتول به پذیرفتن دیه رضایت دهد و برای مؤمنان شایسته نیست که از او حمایت کنند و برای آنان روا نیست جز آن که علیه او قیام کنند.
- ۲۲ - براساس آنچه در پیمان‌نامه به رسمیت شناخته شده است، برای هیچ مؤمنی جایز نیست که فتنه‌گری را یاری کند یا پناه دهد و هر کس چنین کرد لعنت و خشم خدا بر او خواهد بود و در روز قیامت هیچ عذر و بهانه و عوض و فدیة‌ای از او پذیرفته نخواهد شد.
- ۲۳ - هرگاه شما در چیزی اختلاف نظر پیدا کردید، مرجع حل آن خدا و محمد است.
- ۲۴ - یهودیان تا زمانی که مؤمنان در جنگ (با دیگران) باشند، با مسلمانان همپیمان خواهند بود.
- ۲۵ - یهودیان بنی‌عوف امتی از مؤمنان هستند، آنها به دین خودشان و مسلمانان به دین خودشان اعم از خودشان یا بردگانشان، مگر آن کسی که ستم و گناه پیشه کند که چنین کسی تنها خود و خاندانش را به هلاکت خواهد افکند.
- ۲۶ - یهودیان بنی نجار از آنچه بنی‌عوف برخوردارند، برخوردار خواهند بود.

- ۲۷ - یهودیان بنی حارث از وضعیتی مانند یهودیان بنی عوف برخوردار خواهند بود.
- ۲۸ - یهودیان بنی ساعده از وضعیتی مشابه یهودیان بنی عوف برخوردار خواهند بود.
- ۲۹ - یهودیان بنی جشم نیز مانند یهودیان بنی عوف هستند.
- ۳۰ - یهودیان بنی اوس از آنچه یهودیان بنی عوف برخوردارند، برخوردار خواهند بود.
- ۳۱ - یهودیان بنی ثعلبه از وضعیتی مشابه یهودیان بنی عوف برخوردار خواهند بود، مگر آن کسی که دست به گناه و ستم بزند که چنین کسی تنها خود و خاندانش را به هلاکت خواهد افکند.
- ۳۲ - جفنه که یکی از شاخه های قبیله ثعلبه است، همانند خود بنی ثعلبه خواهد بود.
- ۳۳ - یهودیان بنی شطیبه از وضعیتی مشابه یهودیان بنی عوف برخوردار خواهند بود.
- ۳۴ - ارزش بردگان ثعلبه مانند خود ثعلبه خواهند بود.
- ۳۵ - قبایل تیره های یهودیان نیز حکم آنان را خواهند داشت.
- ۳۶ - هیچ یک از یهودیان بدون اجازه محمد بیرون نمی رود.
- ۳۷ - یهود هزینه های مربوط به خود را عهده دار خواهند بود و مسلمانان عهده دار مخارج خود خواهند بود. همپیمانان باید همدیگر را علیه هر کس که به جنگ آنان بپردازند، یاری دهند و باید خیر خواه یکدیگر باشند و به یکدیگر نیکوکاری کنند و گناه روا ندارند.
- ۳۸ - گناه همپیمان کسی بر عهده او نیست و ستم دیده در هر حالی باید یاری شود.
- ۳۹ - یهودیان تا زمانی که مؤمنان در جنگ (با دیگران) باشند با مسلمان همپیمان هستند.
- ۴۰ - طرفهای این پیمان باید حرمت یترب را رعایت کنند و هرگونه جنگ در آن ممنوع است.
- ۴۱ - هرکس از پیمان جوار و پناهندگی کسی برخوردار است، همانند آن شخص حق آسیب رساندن و رفتار ناشایست با دیگران را ندارد.
- ۴۲ - هرگاه در میان طرفهای این پیمان، مشاجره، اختلاف و نزاعی روی دهد که نگران کننده باشد، مرجع حل اختلاف، خدا و رسول وی خواهند بود.
- ۴۳ - هرکس به یترب حمله کند، طرفهای پیمان باید یکدیگر را در مقابل او یاری کنند.
- ۴۴ - هرگاه به مصالحه و آشتی فراخوانده شدند، صلح کنند. اگر آنان مسلمانان را به چنین چیزی فرا خوانند، چنین حقی را بر مؤمنان خواهند داشت؛ مگر در مورد آن کسی که به خاطر دین با مسلمانان بجنگد.
- ۴۵ - هر گروهی سهم خود را از سوئی که مورد حمله قرار گرفته اند، عهده دار می شوند.
- ۴۶ - یهودیان اوس اعم از خود و بردگان آنها از همانند آنچه در این پیمان برای دیگر یهودیان ذکر شده است، برخوردار خواهند بود.
- ۴۷ - این پیمان نامه هیچ گاه مانع مجازات و مؤاخذه فرد ستمگر و خطاکار نخواهد بود؛ هرکس از شهر بیرون رود و هر کس در مدینه بماند، در امان خواهد بود؛ مگر آن کسی که ستم و گناهی مرتکب شود و خدا و پیامبرش پناهگاه کسی هستند که نیکی و تقوا را رعایت بکند. (گرفته شده از مجموعه الوثائق السياسية، صفحه ۴۱ - ۴۷). (مأخذ دوم کتاب: الگوی هدایت (تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم) جلد اول مؤلف: علی محمد الصلابی مترجم: هیأت علمی انتشارات حرمین (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری).  
ادامه دارد